

## لایحه ای به آقای درمانی

امیرفیض- حقوقدان

امروز به همت جاوید ایران و کمک همسرم در جریان دو برنامه در یوتوب قرارگرفتم که تحریر حاضر به مناسبت هریک از آن برنامه هاست.

در برنامه نخست، خاتم گوینده برنامه تلویزیون اندیشه در لایحه ای از آقای درمانی ریال مدیر و صاحب تلویزیون اندیشه دفاع کرد. موضوع دفاع پاسخ به اتهامات آقای شهرام همایون به آقای درمانی بود، اتهاماتی از قبیل اینکه: آقای درمانی هرساله به ایران میرود و ماشین به سفارت ایران در کانادا فروخته است و این قبیل اتهامات.

ماهیت اتهامات، قابل جواب نبود زیرا نیازی به دلیل داشت و مدعی دلیل نداشت ولی ما ایرانیان به این سرفصل لازم اعتنایی نداریم و همواره فکرمیکنیم که بهر اتهامی باید جواب داد در حالیکه اتهامات اگر همراه دلیل و توضیح باشد، آنوقت است که باب دفاع را میگذشاید ولی بهرحال این جریان حقوقی نه مورد قبول و نه احترام عامه است.

### انگیزه این تحریر

انگیزه این تحریر ورود به ادعای شهرام همایون و دفاع اندیشه از آقای درمانی نیست بلکه موضوع کلی است و اکنون به اتفاق به آن میپردازیم.

❖ اتهامات شهرام همایون به آقای درمانی نه توهین است و نه اتهامات سنگین بلکه اتهاماتی است که در صورت اثبات هم؛ نه جرم است و نه قابل سرزنش.

اتهامات مزبور که طرف اتهام (آقای درمانی) است، فرد مهمی از نظر شخصیت سیاسی و ملی نیستند و یک فرد عادی است که در جهت اعتقاد سیاسی خود، قدری هم سرمایه گذاری میکند تا آن حد که ناظریم؛ اتهامات مزبور سبب هیجان و واکنش نسبت به دفاع از آقای درمانی ایجاد کرده است، که در دو برنامه پیاپی، یکی همین برنامه خاتم گوینده تلویزیون اندیشه و دیگری در برنامه افق که مهدی آقازمانی و پرویز کردان به سختی در مقام حمله به شهرام همایون و دفاع از آقای درمانی برآمدند، جریان یافته است.

تا اینجا، قضیه مهمی نیست فطرت و تربیت آدمی چنین است که از دوست و مراد خود حمایت کند و اگر نکند قابل سرزنش است.

همین قاعده انسانی، انسان را در چارچوب یک ابهام بسیار بزرگ قرار میدهد که چرا در حالیکه همین آقای شهرام همایون و دیگر رسانه های تصویری و بیس از همه امید دانا و «نفر» معروف به سلطنت طلبی کوهی از اتهامات ناروا و اهانت های رذیله متوجه اعلیحضرت کرده اند و میکنند همین منقذین شهرام همایون و مدافعان آقای درمانی کوچکترین اهمیتی به آن اهانت ها حتی در حد اینکه بصورت اخلاقی این حرکات و اتهامات را محکوم و خواستار توقف این موج سرکشی از اهانت ها بشوند نداده اند.

آیا شخصیت سیاسی و نمادی اعلیحضرت در راه مبارزه مهمتر است یا شخصیت آقای درمانی؟ اگر تردید است از خود آقای درمانی سوال شود؟ آیا بین شهرام همایون و امید دانا از باب رذالت و بی اعتبار ساختن اعلیحضرت تفاوتی هست؟ پس چرا هیچ توجه و اعتنایی به جریان تهاجم به اعلیحضرت نمیشود؟

در همین برنامه، فصل اینکه پرچم ایران در برنامه تلویزیونی ارانه بشود یا نشود یکی از مکلمه های کلام بود. آخر شما که پادشاهتان، نه نماد ملی و مظهر ملیت و استقلال کشورتان، نه، یک ایرانی در صدر همه ما، نه، شاهزاده خودتان در حالت اسارت سیاسی و تحمیل تحریم های خاصی است، چه لیاقت صحبت از پرچم را دارید؟ کسانی که برای عده ای مرجع شناخته میشوند، در تلویزیون خودشان میگویند: «رضاپهلوی را شایسته تف کردن هم نمیدانیم» ولی شما به پرچم چسبیده اید «دزد را رها کرده جای پای اسبش را چسبیده اید» این یک کار درستی است؟؟

کسی از شهرام همایون انتظار اقدام برای حفظ اعتبار و شخصیت اعلیحضرت ندارد زیرا شهرام همایون خودش گفته است که «سلطنت طلب نیست» خودش گفته است «رضاپهلوی را چکارش کنیم سمش بدهیم» و تلویزیونش هم با فروش آب و هوای قلبی ایران و سمساری اداره میشود ولی از تلویزیون اندیشه که گفته میشود با سرمایه شخصی یک سلطنت طلب اداره میشود، حتما انتظار این بی تفاوتی آزار دهنده نیست.

بنده حتی در لایحه ای از آقای درمانی خواستم که با استفاده از امکاناتی که دارند ترتیبی بدهند که این موج حملات و اتهامات که تنها برای کسر اعتبار اعلیحضرت است فروکش کند و ایشان هم هیچ عنایتی نکردند؛ در حالیکه اعتبار و شخصیت سیاسی و نمادینی اعلیحضرت کجا و شخصیت سیاسی آقای درمانی و همه ما ایرانیان کجا؟؟ و باز در حالیکه اعتبار و بود ما، کشور ما منوط به بود و شخصیت ملی و اعتباری اعلیحضرت است و اگر ایشان در صدر مبارزه سیاسی و اعتقادی ما نباشند و همه ما باشیم روزگار مبارزه همین است که حالا هستیم.

این تحریر به بیان این حقیقت هم متعهد است که بندرت و بسیار کم مورد است که کسانی در مقام دفاع از شخصیت سیاسی و اعتباری اعلیحضرت در مقام ایستادگی سخت و باصطلاح گوشمالی لازم و متناسب، به تعرضات این افراد متخاصم برآمده باشند. تکامل حق مطلب بر این بازگویی قائم است که در برنامه آقای آریا باقری سایه ای از دفاع کلی از پهلوی ها آنها تحت عنوان مناظره رسوبی از خود باقی گذاشت.

البته اگر دفاعی از دیگر ایرانیان بوده و بنده در جریان قرار نگرفته ام خود را مدیون تشکر و سپاس و عذرخواهی میدانم.

### علت این معما چیست

علت این معما که بنظر حیرت آور میآید این است که سیاست کلی حاکم بر فضای مبارزه سیاسی ایرانیان خارج از کشور با تداوم سلطنت اعلیحضرت رضا پهلوی مخالف است و نمیخواهد ایشان در موقعیت اعتباری سلطنت که همراه شکوه و معنویت و اعتماد عمومی مردم ایران است قرار گیرند و این خواست و سیاست آمریکا همان است که از سال ۱۳۵۸ بر ولیعهد وقت از سوی وزارت خارجه آمریکا تحمیل و تا کنون هم ادامه دارد و در عبارت کوتاه همان تحمیل محرومیت سیاسی اعتقادی ایشان به تداوم سلطنت است که بنام طرح هنری پرشت مستند و شناخته شده است.

## خطاب به تلویزیون اندیشه

خانم گوینده تلویزیون اندیشه (سحرامانی) اظهار داشتند که آقای درمانی تصویر شاهنشاه آریامهر و شاهزاده رضا پهلوی را در روی میزشان دارند. **چرا باید** شخصی با این احساسات و داشتن امکانات و رسانه تصویری برای نجات پادشاهش که تصویرش روی میزش درمقابلش هر روز قرار دارد اقدامی نکند؟

آیا اگر فرزند و یا عزیزی از آقای درمانی ویا هریک از ما به اسارت ویا تحمیل تحریم هائی در آمده بود؛ آنقدر بی تفاوت بودیم که نسبت به پادشاهمان رفتار میکنیم؟

**چرا باید** ولیعهد قانونی ایران نماد هویت ملی وپادشاهی ایران که زاییده ۲۵۰۰ سال تاریخ و فرهنگ ملی ماست در اسارت سیاسی و تحمیل یک کشوریکه خود را مخالف جمهوری اسلامی میداند قرار گرفته باشد.

**چرا باید** این تصمیم وزارت خارجه آمریکا که از سال ۱۳۵۸ به اجرا درآمده و تاکنون نزدیک به ۴۰ سال میگذرد همچنان مانع فعالیت سیاسی نماد ملی ایرانیان میباشد؟

**چرا باید** چنین تصمیمی که مغایر با اعلامیه جهانی حقوق بشرو قانون اساسی و شخصیت سیاسی کشور آمریکاست همچنان مانند شمشیر داموکلس بالای سر نماد یک ملت باشد.

**اسارت سیاسی و تحمیل راهکارهای سیاسی به شخص اعلیحضرت مطلبی نیست که ایشان خودشان بتوانند ویا مصلحت باشد که مطرح کنند پس هواداری و شاهدوستی ما ایرانیان که شهره عام و خاص است به کجا رفته است؟ و رابطه مریدی و مرادی به کجا رفته است که >مریدان بخصبند و مراد باترس**

**بسربرد<**

برای اینکه این تحریر مستند باشد و تلویزیون اندیشه و شخص آقای درمانی از این تحریر درک لازم را بنمایند، کلکسیون فحاشی ها و اتهاماتی که متوجه اعلیحضرت رضاشاه دوم شده است بعنوان هدیه شوم تقدیم آقای درمانی میشود و از ایشان درخواست دارم که فتوکپی این کلکسیون فحاشی را در بین تصاویر شاهنشاه و رضاشاه دوم بگذارند تا معنای خودش را بهتر برساند.

## کلکسیون فحاشی ها

۱-دشمنی با موجودیت ایران ۲- دشمنی با ملت ایران ۳- مرگ برشاه = خواستن مرگ برای اعلیحضرت ۴- بیکاره ۵- شارلاتان ۶- احمق ۷- کوته بین ۸- بیسواد ۹- پول پرست ۱۰- خائن ۱۱- بی شرف ۱۲- بی آبرو ۱۳- مفتضح ۱۴- پشه ۱۵- عروسک ۱۶- حقه باز ۱۷- غیرقابل اعتماد ۱۸- دروغگو ۱۹- خمینی دوم ۲۰- کسی که چاره ای جز کوبیدن سرش به دیوار را ندارد ۲۱- فضولات انسان ۲۲- نالایق ۲۳- بدجنس ۲۴- خدا از بابت غرور - ۲۵ درود بر مردمی که در فیس بوک به رضا پهلوی فحش میدهند - ۲۶- رضا پهلوی پشت به میهن کرده - ۲۷ کجرو ناتوان - ۲۸ جیره خوار شیوخ عرب ۲۹- شاه سلطان حسین ما ۳۰- آزادگان برویش تف انداخته اند ۳۱- اولیافت تفت انداختن به رویش راهم ندارد ۳۲- رضا پهلوی بی غیرت ۳۳- تف هرچه دهاتی است براین بی غیرت ۳۴- ناپهلوی = حرامزاده ۳۵- مترسک ۳۶- بی پرنسیپ.

## آقای درمانی

ریشه این تعرضات سنگین به شاهزاده شما، رونیده از سیاست آمریکا نسبت به اعلیحضرت و تداوم سلطنت است. نه حب و بغض افراد. شما نگاه کنید در تمام ایران حتی در داخل و خارج هیچ ایرانی هدف این چنین اتهامات سنگین و بیش‌رمانه که نیست آنرا ملاحظه دارید قرار نگرفته است، چرا؟؟ زیرا برای هیچ ایرانی هم غیر از شاهزاده شما چنین تصمیمی در وزارت خارجه آمریکا گرفته نشده است. درست است که تحقیرمقام سلطنت آنهم به اعتبار واهی به اعتبار آئین وفاداری ایرانیان به شاه ممکن است بی تاثیر باشد (که اگر در گذشته چنین بوده حال بقوت گذشته باقی نمانده است) ولی این اتهامات در کنار طرح وزارت خارجه آمریکا (طرح هنری پرشت) بسیار مثر ثمر و اعلیحضرت را از گردونه سیاست و محبوبیت منزوی خواهد ساخت خاصه که طرح بی اعتبار ساختن اعلیحضرت مورد استفاده جمهوری اسلامی هم هست. طرح منزوی ساختن اعلیحضرت بدون توان بودن نقش ایرانیان بد طینت در خارج از کشور و سیاست تحمیل تحریم سیاسی اعلیحضرت آمریکا هیچ کاربُردی نداشته است. <دشمنان چون جمع آیند مشکلات افزون شود>

## پیشنهاد به آقای درمانی

آقای درمانی؛ ویکتور هوگو گفته ای دارد که میگوید:

<آدم ها تهی از توانایی نیستند تهی از اراده هستند>.

سرکار آنطور که گفته میشود هم توانایی مالی دارید و هم اراده که مدیریت تلویزیون اندیشه و پیامدهای مفصل آنرا قبول کرده اید.

اوضاع مبارزه، و سر درگمی آن که مانع تحقق خواست شما و همه ایرانیان وطن پرست است موقوف به رفع اثر از تحریم سیاسی اعلیحضرت است، امیدوارم سرکار هم به این واقعیت شوم که باختصار عرض شد و تصور میکنم که مفصل آن بارها به استحضار سرکار رسیده است و اقف میبایشد بنابراین اقدام در رفع این محذور و تحریم سیاسی اعلیحضرت متوجه همه ماست و آنکه میتواند و تواناست و در صاف مقدم است سرکار هستید.

بنابراین مبارزه سلطنت طلبان که ۴۰ سال قفل و محروم از فعالیت اساسی است از سرکار توقع دارد که ترتیبی بدهید که یک فرم حقوقی حقوق بشری مسلط به کار حقوق سیاسی این کار را متقبل شود که با مراجعه به وزارت خارجه آمریکا و مذاکره، تحریم سال ۱۳۵۸ علیه ولیعهد آنوقت را بردارند و اگر وزارت خارجه قبول نکرد و یا خواست از زمان استفاده کند راه دادگاه را انتخاب نماید دعوائی بسیار ساده است و مطمئن هستم که وزارت خارجه آمریکا تمایلی به ارجاع موضوع به دادگاه نخواهد داشت که سروصدای جهانی آن غیر قابل پیش بینی نیست.

از شما همت مراجعه و قرار با فرم حقوقی و از ما کمک به فرم و فرستادن اسناد و در صورت لزوم حمایت گروهی از اقدام فرم.

باتشکر از امعان نظر شما در این لایحه

در باره ویدئو یوتوب دوم در تحریر آتی